

# روان‌شناسی برای فیلمنامه‌نویسان

ویلیام ایندیک

ترجمه محمد گذرآبادی

موضوع	تعداد کپی	قیمت
روان‌شناسی برای فیلمنامه‌نویسان	۱۱۲	۲۶۱۲
فیلم‌نامه‌نویسی	۱۱۲	۲۶۱۲
نویسندگی فیلم	۱۱۲	۲۶۱۲
فیلم‌نامه‌نویسی برای کودکان	۱۱۲	۲۶۱۲
فیلم‌نامه‌نویسی برای نوجوانان	۱۱۲	۲۶۱۲
فیلم‌نامه‌نویسی برای بزرگسالان	۱۱۲	۲۶۱۲



## فهرست

	سیاسگزاری ..... هفت
	مقدمه ..... نه
بخش چهارم: جوزف کمبل	
۱۲۳ ..... فصل ده: قهرمان هزارچهره	
۱۴۳ ..... فصل یازده: سفر قهرمان مؤنث	
بخش پنجم: آلفرد آدلر	
۱۵۵ ..... فصل دوازده: عقده حقارت	۳ ..... فصل یک: عقده ادیپ
۱۶۵ ..... فصل سیزده: رقابت فرزندان	۱۳ ..... فصل دو: کشمکش روان رنجورانه
۱۷۳ ..... فصل چهارده: سبک‌های زندگی	۲۵ ..... فصل سه: مراحل روانی - جنسی
	۴۱ ..... فصل چهار: مکانیسم‌های دفاعی ایگو
	۵۷ ..... فصل پنج: کارِ رؤیا
بخش ششم: رولوی می	
۱۸۳ ..... فصل پانزده: کشمکش وجودی	بخش دوم: اریک اریکسون
۱۹۳ ..... فصل شانزده: کهن‌الگوهای عصر خودشیفتگی	۶۷ ..... فصل شش: کشمکش هنجاری
	۷۷ ..... فصل هفت: بحران هویت و ورای آن
۲۰۳ ..... نتیجه‌گیری	
۲۰۵ ..... کتاب‌شناسی	
۲۰۷ ..... نمایه موضوعی	بخش سوم: کارل یونگ
۲۱۱ ..... نمایه نام‌ها	۹۵ ..... فصل هشت: کهن‌الگوهای شخصیت
۲۱۷ ..... نمایه فیلم‌ها	۱۱۳ ..... فصل نه: کهن‌الگوهای پیرنگ

## مقدمه

«درام یعنی زندگی، با حذف قسمت‌های کسالت‌بار.»  
آلفرد هیچکاک

دو سطح دیداری و شنیداری، باعث شده نیروی روان‌شناختی بی‌نهایت قدرتمندی داشته باشد. بینندگان به معنای واقعی کلمه جذب فیلم می‌شوند و چنان پیوند عاطفی محکمی با شخصیت‌ها و پیرنگ داستان برقرار می‌کنند که توهمات روی پرده با حیات روانی آن‌ها گره می‌خورد. تماشاگران از طریق فرایند ناخودآگاه «همذات‌پنداری» واقعاً تبدیل به شخصیت‌هایی می‌شوند که با آن‌ها همذات‌پنداری کرده‌اند و همان رشد روانی و کاتارسیس را که شخصیت‌های روی پرده تجربه می‌کنند، به شکلی نیابتی، تجربه می‌کنند.

فیلم‌ها تا اعماق ذهن ناخودآگاه بینندگان نفوذ می‌کنند و بر تفکر و احساس آن‌ها درباره خودشان و دنیای اطرافشان تأثیر می‌گذارند. رویکرد روانکاوانه به درک و آفرینش تصاویر، شخصیت‌ها و داستان‌های سینمایی سرمایه بی‌نهایت باارزشی برای فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان است. بینندگان نمی‌دانند وقتی یک فیلم ترس‌های اولیه، اضطراب‌های دوران کودکی، مسائل ناخودآگاه و تمایلات واپس‌رانده آن‌ها را فعال می‌سازد چه دستکاری ظریفی در آن‌ها می‌کند. با این حال وقتی فیلم تماشا می‌کنند به شدت برانگیخته می‌شوند زیرا با شخصیت‌ها و تصاویر روی پرده به لحاظ عاطفی و روانی پیوند یافته‌اند. فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان، با آگاهی از عملکردهای درونی ذهن بشر، در حرفه خود به مهارت و عمق بیش‌تری می‌رسند و فیلم‌های قوی‌تر و بامعناتری می‌سازند.

در فیلم خاطرات استارداست (۱۹۸۰)، وودی آلن در نقش قهرمان داستان در خیالات خود تصور می‌کند مُرده و روان‌پزشک در تمجید از او می‌گوید: «از مکانیسم انکار به شکل درستی استفاده نمی‌کرد ... بلد نبود حقایق مضر زندگی را نادیده بگیرد ... یا به قول آن تهیه‌کننده معروف سینما: "مردم دوست ندارند زیاد واقعیت ببینند" ...» مردم سینما می‌روند برای اینکه خیال و پندار را تجربه کنند و در حالی که دنیای خیالی فیلم‌ها به نظاره نشسته‌اند خیالات و تصورات خود را بر شخصیت‌های روی پرده فراقفی کنند. تجربه نشستن در سالن سینما - که اتاق تاریک، ساکت و غارمانند است - یادآور ذهن ناخودآگاه است. فیلم، به عنوان فراقفی تحویل بشر، بزرگ‌ترین رسانه خیال‌پردازی است که تا کنون خلق شده است.

«کارخانه رؤیاسازی هالیوود» از همان سال‌های اول فهمید که خیال‌پردازی سودآور است. در سینما می‌توان عمیق‌ترین خیالات و تمایلات ناخودآگاه - یعنی عشق و سکس، مرگ و نابودی، ترس و خشم، انتقام و نفرت - را در امنیت کامل، بی‌آنکه خطر شرمساری وجود داشته باشد و با یک پایان خوش تضمین شده، ارضا کرد. درک کامل ذهن ناخودآگاه - یعنی زادگاه خیال، رؤیا و تخیل - نقطه شروع بنیادی برای خلق فیلمنامه و فیلم‌هایی است که طنین و معنای روان‌شناختی دارند.

## رویکرد روانکاوانه

جذابیت ذاتی سینما، به عنوان رسانه‌ای بزرگ‌تر از زندگی در هر